۳۶ روز تا جام جهانی

اگر ستاره انگلیس به جام جهانی نرسد...

موفقیت بدون رونی؟ امکان ندارد

وصال روحانی

نظر پزشکان متخصص این است که وین رونی به احتمال قوی هر دو دیدار نخست تیم ملی انگلیس را در دور پایانی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ از دست خواهد داد. وقتی استخوان پای او طی دیدار روز شنبه چلسی با منچستریونایتد شکست، برآورد پزشکان این بود که او شش هفته از میدان دور می‌ماند و حالا آن برآورد به هفت هفته افزایش یافته است.

تازه اطمینانی در دست نیست که در هنگام برگزاری رقابت‌های آن جام که بیشتر از ۳۵ روز تا شروع آن نمانده است، رونی به فرض بهبودی صاحب «آمادگی مسابقه‌ای» لازم هم باشد. راجر رابرتسون یک پزشک متخصص که پای رونی را معاینه کرده و در مداوای او دست داشته است، می‌گوید: «برای بازی اول، روی او مطلقاً حساب نکنید و من به دیدار دوم نیز بسیار مشکوکم. ما فقط می‌توانیم در هفته‌های پنجم و ششم درمان بانداژ پای او را باز کنیم و ببینیم که چطور جواب داده و حالش چگونه است.» در عین حال نگرانی‌هایی که در خصوص آمدن بلایی مشابه بر سر مایکل اوون وجود داشت، رنگ باخته است. او نیز شنبه شب پس از پایان دادن به غیبت سه ماه و نیمه‌اش و حضور در مسابقه نیوکاسل با بیرمنگام در لیگ برتر انگلیس دچار عود مجدد درد پا و مجبور به ترک میدان شده بود. با این حال وقتی پزشکان در فردای روز مسابقه روی پای او تست‌های مربوطه را انجام دادند مشخص شد که مسئله او اصلاً به اندازه مشکل رونی جدی نیست و او با قدری استراحت به راه خواهد افتاد.

تیم ملی انگلیس دیدارهای اول و دوم خود را در دور پایانی جام جهانی ۲۰۰۶ در برابر پاراگوئه و ترینیداد در روزهای ۲۰ و ۲۵ خرداد برگزار می‌کند و سپس در مسابقه سوم در روز ۳۰ خرداد روبه‌روی سوئد می‌ایستد. با این حساب اگر اوون در هر سه دیدار حاضر باشد، رونی بسیار خوش‌اقبال خواهد بود که به مسابقه سوم برسد و خیلی‌ها معتقدند که به آن نیز نخواهد رسید.

مسئله جان تری از اینها سبک‌تر است. درست است که کاپیتان چلسی در دیدار با منچستر بر اثر تکل رونی دچار جراحت پا شد و ۱۰ بخیه روی آن خورد و در پایان مسابقه فقط با عصا توانست استادیوم را ترک کند (و دیشب نیز قادر نشد چلسی را در مقابل بلکبرن همراهی کند) اما کل مدت غیبت او ۱۰ روز تخمین زده شده است و او می‌تواند از پایان هفته بعد تمریناتش را از سر گیرد. او از همه جان‌سخت‌تر بود زیرا با اینکه تکل رونی در همان ۱۰ دقیقه اول مسابقه بر پایش وارد شد، اما تا لحظه آخر در زمین ماند و در حالی که آشکارا لنگ می‌زد، به بازی خود ادامه داد. هرچه هست باور عمومی در انگلیس این است که بدون رونی این کشور هیچ بختی برای فتح جام جهانی ندارد و حتی اگر قرار بود مثلاً تا یک‌چهارم و نیمه‌نهایی پیش بتازد، در صورت غیبت مهاجم جوان اما قدرتی منچستریونایتد چنین چیزی به هیچ روی برایش متصور نخواهد بود و بهتر است تعطیل کند و برود!

■ **فقط معجزه**

یکی از کسانی که چنین می‌اندیشد، بابی رابسون است. مربی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ تیم ملی انگلیس و دستیار و مشاور استیو استانتون سرمربی کنونی تیم ملی ایرلند جنوبی می‌گوید: «واقعاً ناراحت‌کننده است. بدون رونی ما از هیئت تیمی که برای فتح جام جهانی بدون شانس نبود، به تیمی تغییر حالت داده‌ایم که فقط معجزه می‌تواند آن را به فینال برساند. مسئله این است که نمی‌توان جای رونی را پر کرد. شما می‌توانید جای هر بازیکنی را در تیم‌تان پر کنید، اما رونی را نه زیرا بازیکنی مثل او در انگلیس نیست. به واقع در کل اروپا نیست. فقط با کسانی می‌توانید جام جهانی را ببرید که به لحاظ فردی در سطحی فوق‌العاده باشند و رونی از آن قبیل است.» رابسون معتقد است که اریکسون با علم به موضوع فوق کار دشواری در روز اعلام اسامی نهایی نفرات تیم ملی انگلیس (در ۲۵ اردیبهشت) خواهد داشت زیرا نمی‌داند آیا باید یک بازیکن مصدوم را که ۹۹ درصد به دو دیدار اول انگلیس نمی‌رسد، انتخاب کند یا خیر. «شاید بتوان این گونه استدلال کرد که اگر انگلیس از گروهش بالا بیاید، در بازی‌های یک‌هشتم، یک‌چهارم و نیمه‌نهایی به بازیکن فوق‌العاده‌ای چون رونی نیاز خواهیم داشت بنابراین بهتر است او را به‌رغم مصدومیت انتخاب کنیم. با این حال این چیزی نیست که بتوان با اطمینان درباره آن صحبت کرد.»

اریکسون حتی بدون اینکه به این احتمالات به طور مستقیم اشاره کند گفته است چاره‌ای جز انتخاب رونی- ولو مصدوم- ندارد. «مگر راه دیگری دارم؟ اگر یک مدافع یا هافبک تیم‌تان آسیب ببیند، همیشه کسی هست که ذره‌ای از او کمتر و بیشتر داشته باشد و بتوان او را انتخاب و جانشین فرد مصدوم کرد، اما رونی چه؟ بازیکن دیگری مثل او وجود ندارد.»

اوون در جریان مسابقات یورو ۲۰۰۴ نیز دچار شکستگی مشابهی در پایش شد و خروج او از صحنه باعث حذف و حاشیه‌نشینی تیم ملی انگلیس نیز گشت. این تیم در سال ۲۰۰۲ جرارد، مورفی و گری‌نویل را به دلیل مصدومیت به همراه نداشت و با این وجود به مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی رسید، اما اینک اطمینانی در خصوص تکرار آن رویداد در دست نیست و حتی اگر انگلیس در خاک آلمان نیز به آن مرحله برسد، آن توفیق کجا و صحبت از احتمال قهرمانی این کشور که در تمام ماه‌های اخیر مطرح و باب بوده است، کجا؟

■ **جرارد، مثل رابسون**

استیون جرارد کاپیتان و هافبک کلیدی لیورپول بدون اینکه جواب سئوال فوق را بدهد، نظری مشابه با بابی رابسون دارد و می‌گوید که کسب موفقیت بدون حضور رونی غیرممکن است.

جرارد از این هم فراتر می‌رود و بیم آن را دارد که رونی مثل آنچه برای خود او چهار سال پیش روی داده بود، به کلی امکان شرکت در جام جهانی را از دست بدهد و اصلاً به آلمان اعزام نشود.

جرارد می‌گوید: «تیم انگلیس بدون رونی نمی‌تواند دستاورد بزرگی داشته باشد. از نظر من او نه تنها بهترین بازیکن جوان دنیای فوتبال است بلکه در میان فوتبالیست‌های زبده کنونی بزرگسال دنیا نیز جای شامخی را به خود اختصاص می‌دهد. اگر ما در نهایت بدون او مجبور به سفر به آلمان شویم، این مثل یک فاجعه خواهد بود و هر روز که بیشتر می‌گذرد، فزون‌تر حس می‌کنم که این اتفاق خواهد افتاد.»

گفت‌وگو با «وین رونی» پس از مصدومیت مقابل چلسی

تایسون قهرمان محبوب من است

وین رونی موفق‌ترین فوتبالیست دو سه سال اخیر انگلیس شاید جام جهانی ۲۰۰۶ را به کلی از دست بدهد. شکستگی استخوان پای این مهاجم ضربتی ۲۱ ساله که در مسابقه این هفته چلسی- منچستر یونایتد پیش آمد حداقل شش هفته زمان برای بهبودی می‌برد و شاید هم بیشتر و اگر اسون گوران اریکسون مربی سوئدی انگلیس او را با چنین حال و روزی همراه با خود به آلمان ببرد بیشتر به این سبب است که هیچ راهی به جز این فراروی خود نمی‌بیند باورش این است که باید حتماً ستاره سرنوشت‌ساز تیمش را ولو با پای شکسته و عصا به دست جزء مسافران آن آوردگاه قرار دهد ولی اگر این باور به هر شکل رنگ ببازد، آن‌گاه رونی را باید جزء غایبان بزرگ جام هجدهم دانست.

ببینیم خود او در مورد این مسئله و سایر ایده‌هایش در فاصله‌ای کم تا شروع جام ۲۰۰۶ چه می‌گوید.

■ **آیا از همان آغاز (لحظه وقوع مصدومیت) متوجه شدید که کارتان تمام است و ۶، ۷ هفته حاشیه‌نشین می‌شوید؟**

بله، به محض اینکه نیم‌خیز شدم فهمیدم اتفاق بدی افتاده است. حس کردم که باید هرچه سریع‌تر از زمین خارج شوم و پس از عکسبرداری با اشعه ایکس مشخص شد ظن و گمان من درست بوده و پایم شکسته است.

■ **چه احساسی داشتید؟**

مشخص است حس وحشتناکی داشتم هولناک بود. در آستانه جام جهانی هر بازیکنی مصر است که خودش را سالم و سرحال نگه دارد. بنابراین آسیب دیدن در این شرایط واقعاً دردناک است. این چیزی است که فقط بازیکنان کاندیدای شرکت در دور پایانی جام جهانی آن را لمس و حس می‌کنند.

■ **به این ترتیب جام جهانی ۲۰۰۶ را از دست می‌دهید؟**

نمی‌دانم. امیدوارم که چنین نشود.

■ **در موقع جام جهانی قبلی چه می‌کردید. خب، ۱۷ سال که بیشتر نداشتید.**

مسابقات را از تلویزیون تماشا می‌کردم.

■ **در کجا؟**

جای مشخصی نبود. در خانه خودمان، در منزل دوستانم، در رستوران سرکوچه!

■ **معلوم است که به دوستان و ریشه و خاستگاه خود بسیار بها می‌دهید.**

بله. من هیچ‌گاه فراموش نکرده‌ام که چگونه از منطقه کاری کراکس‌تت انگلیس به مدارج بالای فوتبال بریتانیا و جهان و محافل اجتماعی اروپا سفر کردم.

■ **الگوی‌تان چه کسی بود؟**

مایک تایسون.

■ **تایسون؟**

بله، تایسون بوکسور را می‌گویم. از او و کارهایش خوشم می‌آید. او از هیچ به همه جا رسید و کوشید و جنگید تا به این نقطه پای گذاشت. به نظرم می‌آید که مثل من یک آدم بی‌پناه بود. شاید هم یک بچه بزرگ شده در خیابان‌ها و کسی که مجبور بود برای زنده ماندن سر و روی دیگران را بشکند. او در چنان شرایطی به عنوان قهرمانی جهان رسید و این اصلاً کار کوچکی نبود.

■ **چه زمانی به این نتیجه رسیدید که می‌توانید کار او را در فوتبال تکرار کنید؟**

نمی‌دانم. شاید موقعی که جام جهانی قبلی را دیدم و یا در اورتون فیکس شدم.

■ **اتحادیه فوتبالیست‌های حرفه‌ای انگلیس جایزه برترین بازیکن این فصل را به استیون جرارد (از لیورپول) داد. آیا شما بیشتر شایسته آن نبودی؟**

نه، نبودم. جرارد از من بهتر بود. او در اکثر زمان‌ها طی فصل جاری خوب کار کرده است و جام قهرمانان اروپا را نیز به لیورپول بخشید.

■ **زندگی خصوصی‌تان دردسرساز شده است.**

من چوب شهرتم را می‌خورم. خیلی‌های دیگر نیز زندگی‌ای مثل من دارند اما اصلاً سروصدایی به پا نمی‌کند. کافی است کاری از من سر بزند و در یک چشم به هم زدن تبدیل به خبر اول رسانه‌ها شود. خودم نیز گاهی به این مکانیسم‌ها می‌خندم.

■ **رفتارتان بسیار عوض شده است.**

از چه نظر؟

■ **کمتر دعوا و بددهنی می‌کنید و گاه می‌خندید و به بازیکنان حریف نیز کمک می‌کنید تا به پاخیزند.**

اگر تصور و گمان‌تان این است که این کارها را عمداً و با برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌دهم، اشتباه کرده‌اید. اینها خودش پیش می‌آید و با مسن‌تر شدن افراد در آنها شکل می‌گیرد. در گذشته دائماً دعوا می‌کردم و به همین خاطر برخورد تخریبی‌ای نیز با من صورت می‌گرفت. رسانه‌ها مرا می‌کوبیدند. باید بفهمید من در آن موقع بسیار جوان بودم.

■ **آیا اتفاق افتاده است از حریفی بترسید؟**

نه. چرا بترسم؟ من اصلاً به کسی نگاه نمی‌کنم که براساس آن بخواهم احساس ترس کنم. البته به همه احترام می‌گذارم، اما وقتی در مسابقه‌ای حاضرم امکان ندارد به کسی نگاه کنم و از او بترسم.

■ **در جام جهانی قبلی چه کسی را بیشتر پسندیدید؟**

رونالدو برزیلی را. او راحت بازی می‌کرد و زیاد هم گل می‌زد و درخشش فراوانی داشت و به عامل اصلی قهرمانی مجدد برزیل بدل شد.

از همه جالب‌تر این بود که به نظر می‌رسید هیچ فشاری به او وارد نمی‌شود و واقعاً خوش است.

■ **فرض کنید که شما به جام جهانی رسیدید و انگلیس فینالیست شد و در این مرحله روبه‌روی برزیل قرار گرفت. سرنوشت را چگونه می‌بینید؟**

بدیهی است که ما باید آن دیدار را ببریم. این را فقط به خاطر انتقام گرفتن از برزیل بابت شکست‌مان در برابر این رقیب در جام جهانی قبلی نمی‌گویم، به خودی خود نیز مسابقه بزرگی می‌شود. آنها عناصر تهاجمی وحشتناکی دارند و اگر قرار باشد روبه‌رویشان دفاع کنید نابود خواهید شد. تنها راه برای غلبه بر آنها این است که به آنها بتازید. و خط دفاع‌شان را نشانه بگیرید. دفاع آنها آشکارا می‌لنگد.

■ **همین الان کدام بازیکنان را در سطح جهان بیشتر قبول دارید؟**

هنوز هم رونالدو را قبول دارم. رونالدینیو را نیز همین طور. رونالدینیو احتیاج به تعریف من ندارد. لیونل مسی هم فوق‌العاده است. سه‌چهار بازی از او دیده‌ام و طی آنها عالی عمل کرده است. شاید قدری کوچک و لاغر باشد، اما با تکنیک شگرفش آن را به بهترین نحو جبران می‌کند.

■ **آرژانتین را چطور می‌بینید؟**

تیم بسیار خوبی است. درست است که ما سال پیش در مسابقه‌ای دوستانه آنها را بردیم، اما در همان دیدار نیز بسیار خوب عمل کردند. شاید تساوی نتیجه عادلانه‌تری بین ما می‌بود.

■ **اگر از آسیب‌دیدگی رهایی یابید و به جام جهانی بروید، چه میزان شانس توفیق برای خودتان قائل اید؟**

خب، جام جهانی است و بسیار هم دشوار نشان می‌دهد. هر کس که می‌آید برای بردن است و نه قبول شکست. حتی اگر یک بازی را ببرید، بلافاصله به تکرار آن رویداد طی دیدار بعدی خود نیاز دارید. کار هر کس نیست.

■ **اگر فوتبالیست نمی‌شدید چه کاره می‌شدید؟**

فوتبالیست می‌شدم!!

■ **یعنی چه؟**

من چیزی به جز فوتبال نمی‌شناسم و واقعاً به هیچ ورزش دیگری به طور جدی و شدید علاقه‌مند نبوده‌ام. این را می‌توانید در جریان جلسات تمرینی هم ببینید.

■ **در کدام دقایق آن؟**

موقعی که در پایان تمرینات گروهی به داخل دروازه می‌روم و مدتی هم تمرین دروازه‌بانی می‌کنم.

■ **معلوم است که تمرینات را دوست دارید.**

جز این نیست. فکر می‌کنم بهترین چیز، جمع شدن و انجام بازی‌های ۷، ۸ نفره طی تمرینات باشد که بسیار جذاب است. بهتر از این چه چیزی وجود دارد؟ می‌توان بعد از هر جلسه تمرینی به یک رستوران رفت و غذایی خورد و برای بازی بعدی به برنامه‌ریزی پرداخت.

■ **آیا اولین مسابقه‌تان را به یاد می‌آورید؟**

بله، ۷، ۸ سال بیشتر نداشتم. تیم محله ما با تیم یکی از رستوران‌های منطقه روبه‌رو شده بود! من دو گل زدم و تیم برنده شد.

■ **خیلی سریع توانستید خودتان را با فوتبال رده سنی بزرگسالان وفق بدهید و انتقال از رده سنی جوانان به رده بزرگسالان را به سرعت انجام داده‌اید. این طور نیست؟**

طبعاً با رقابت‌های رده سنی نوجوانان و جوانان بسیار فرق می‌کرد، اما آنقدرها هم دشوار و غریبه نبود که از عهده‌اش برنیایم، به خاطر جوانی و اشتیاق زیادم واقعاً کوشیدم و به نتیجه رسیدم.

■ **توصیه‌تان برای آدم هایی مشابه خودتان چیست؟**

اینکه ساده و راحت بازی کنند و کار را پیچیده نسازند. بازی را حس و در آن مشارکت کنید. فکر نکنید دارید یک کار عظیم را انجام می‌دهید زیرا اگر حس کنید، دیگر نمی‌توانید قضیه را جمع کنید.

■ **الکس فرگوسن چطور آدمی است؟**

او توانسته است اعتماد به نفس بیشتر و روحیه پیروزی‌خواهانه‌ای را به من تزریق و القا کند. او شیفته پیروزی است و اگر مثل وی نباشید، جایی در اولدترافورد نخواهید داشت.

■ **به لحاظ شخصی و رفتاری چگونه آدمی است؟**

همیشه گوشه‌ای ایستاده است و ما را زیر نظر دارد و مراقب است چیزی در منچستریونایتد خراب نشود. او خوب و بد کار شما را به خودتان می‌گوید. گاهی هم با بازیکنان بگو و بخند می‌کند.

■ **حرف آخر؟**

تیم ملی انگلیس باور و ایمان آورده است که می‌تواند پیروز و قهرمان باشد و این تفاوتی است که با گذشته دارد و همین هم برای صعود و پیشرفت بیشتر کافی خواهد بود و شاید در جام جهانی نیز به کار ما آید.

منبع: **Guardian**

توافق برای جابه‌جایی بوفون و آبیاتی

میلان، گذشته و آینده

دلارام عظیمی - رم

کنار رفتن از رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا نه تنها کابوس استانبول را از یاد میلانی‌ها نبرد بلکه حسرت یک فینال به یادماندنی مقابل آرسنال آن هم در پاریس را به دل تک‌تک آنها باقی گذاشت. طبق آنچه پیش‌بینی می‌شد این بار ورود روسونری به فرودگاه مالپنسا با استقبال هواداران و تشویق‌ها و هیاهوی همیشگی همراه نبود و از همه مهمتر اینکه از کادر مدیریتی باشگاه گرفته تا تک‌تک بازیکنان همگی مارکوس مرک دندانپزشک آلمانی که قضاوت دیدار برگشت میلان ـ بارسلونا در مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان را برعهده داشت مقصر اصلی ناکامی ایتالیایی‌ها در راه رسیدن به فینال پاریس می‌دانستند. از یک تیم بازنده (که البته نه به خاطر بازی نسبتاً قابل قبولی که در زمین اسپانیایی‌ها انجام داد بلکه به دنبال فرصت‌های بی‌شماری که در خانه هدر داد و بازی را به حریف قدر خویش واگذار کرد و بدین‌ترتیب لقب تیم شکست‌خورده را در مجموع دو دیدار نیمه‌نهایی به جان خرید) انتظار دیگری نمی‌رفت. ورود میلانی‌ها به ایتالیا همراه بود با همان حرف و حدیث‌های همیشگی که در وهله اول متوجه اشتباه مرک در صحنه مردود دانستن گل شوچنکو می‌شد. مهاجم اوکراینی به حدی ناراحت و عصبانی به نظر می‌رسید که مقابل دوربین‌های تلویزیونی قسم می‌خورد که بین او و پویول هیچ‌گونه تماسی ایجاد نشده و گل وی صددرصد صحیح بوده است. گالیانی و برلوسکونی هم طبق یک سنت دیرینه، اولین افرادی بودند که با خرده گرفتن از عملکرد مرک، حذف میلان از این رقابت‌ها را ناشی از اشتباهات داوری قلمداد کردند. البته گالیانی به نکته‌ای اشاره کرد که انصافاً درست بود. عجله داور آلمانی برای به صدا درآوردن سوت پایان بازی تعجب خیلی‌ها را برانگیخت. به عقیده باشگاه ایتالیایی این حرکت مرک نشان‌دهنده عدم احترام به تیمی بود که برای راهیابی به فینال لیگ اروپا تلاش می‌کرد و حتی داور چهارم که او هم آلمانی بود به کادر فنی میلان تضمین داده بود که مرک این همه وقت هدر رفته به دنبال خارج شدن مکرر توپ از زمین بازی را در نهایت مد نظر قرار می‌دهد که اینچنین نشد! از همه این حرف‌ها که بگذریم خلاصه کلام این است که میلان برای رسیدن به پاریس از ابزاری که در اختیار داشت به طور کامل استفاده نکرد و در پایان همین اشتباه بزرگ و جبران‌نشدنی دست روسونری را از یک فینال اروپایی دیگر کوتاه نگه داشت. فراموش نکنیم که مهاجمین میلان به هیچ‌وجه در حد و اندازه‌های نام خویش ظاهر نشدند و حذف ایتالیایی‌ها از جام به مسائلی فراتر از عملکرد داور و دیگر ماجراها و حواشی برمی‌گردد. میلان سرخورده از این ناکامی به ایتالیا بازگشته تا آخرین هدف یک فصل رویایی و به یادماندنی را تحقق ببخشد و آن رقابت تنگاتنگ روسونری و بینکونری برای فتح اسکودتو است که در این سه هفته پایانی هیجان از دست رفته را به سری A بخشیده است. اما از آنجا که همیشه در این مقطع از فصل صحبت‌هایی در رابطه با نقل و انتقالات تابستان و پروژه باشگاه‌ها برای دراختیار گرفتن بازیکنان جدید مطرح می‌شوند، گالیانی به محض ورود به ایتالیا خیال همه را با یک جمله که البته هیچ‌کس باور نکرد راحت نمود: «انتظار خریدهای آنچنانی نداشته باشید!» با وضعیت فعلی و شرایطی که خط دفاعی میلان پس از فروش استم پیدا کرده این حرف گالیانی بیشتر به یک شوخی شباهت دارد! چرا که غیبت مدافع هلندی مسلماً در فصل بعدی رقابت‌ها محسوس خواهد بود و کاستاکورتا (که به زعم باقی ماندن در شرایط ایده‌آل جسمانی در چهل سالگی کارایی یک مدافع تراز اول را دارا نیست) و کافو ۳۶ ساله و یا فاوالی که هم‌سن و سال سرجینیو است و طی ۲ ماه تنها یک بازی انجام داده مسلماً نمی‌توانند موفقیت خط دفاع تیمی که هم در سری A و هم در لیگ قهرمانان به مصاف حریفان قدر خواهد شتافت را تضمین نمایند. اما این اظهارات گالیانی نبودند که ذهن هواداران روسونری را به خود مشغول کردند. خبری که هفته گذشته مثل بمب در محافل مطبوعاتی منفجر شد و کنجکاوی همگان را برانگیخت متعلق به نشریه فرانسوی اکیپ بود که از مذاکرات یووه و میلان برای جابه‌جایی بوفون و آبیاتی پرده برمی‌داشت. درست در روزی که موراتی حضور مانچینی بر روی نیمکت فصل آینده اینتر را قطعی دانست و توتی پس از ۶۷ روز بعد از آسیب‌دیدگی، ۷۵ دقیقه در یک دیدار دوستانه برای رم به میدان رفت و ویرا و ا براهیموویچ در جریان تمرینات یووه دست به یقه شدند، خبرگزاری فرانسوی به دنبال اخبار پراکنده‌ای که رسانه‌های اسپانیایی پیش از دیدار میلان و بارسا منتشر کرده بودند، همه نگاه‌ها را متوجه دو رقیبی کرد که صرف‌نظر از صحت و درستی و یا شایعه نبودن این خبر، سه هفته طاقت‌فرسا پیش روی خویش خواهند داشت. شاید خبر اکیپ زمانی جدی‌تر به نظر رسید که اکثر سایت‌ها و روزنامه‌های ورزشی ایتالیا از اختلاف سنگربان تیم ملی و کادر فنی و مدیریتی یووه صحبت می‌کردند. اخباری که هیچ‌گاه تائید و یا تکذیب نشد چرا که سکوت مطبوعاتی یوونتوس اجازه دستیابی به هیچ‌گونه اطلاعاتی در این زمینه را میسر نساخت ولی آنچه واضح و روشن به نظر می‌رسید قضیه مشکوک رخ داده در اردوی بینکونری در رابطه با بوفون و حرف‌هایی که به بروز مشکلاتی در تیم کاپلو اشاره می‌کردند بود. اینکه واقعاً دروازه‌بان اصلی یووه هنوز و پس از گذشت ماه‌ها پس از عمل جراحی بر روی شانه‌اش، احساس درد می‌کند یا اینکه قبل از بازی با لاتزیو (طبق آنچه از سوی مسئولان تیم عنوان شد) آسیب‌دیدگی جزیی در ساق پای وی مشاهده شده را باید باور کنیم یا حق را به افرادی دهیم که می‌گویند روابط بین مرد شماره اول تیم تورینویی و مدیران یوونتوس مدت‌ها است تیره و تار شده و حتی موجی و همکارانش درصدد این هستند تا آبیاتی را که در زمان غیبت بوفون درون دروازه یوونتوس عملکرد خوبی داشته در تیم حفظ نمایند و بوفون را به جای او به روسونری دهند.

احتمال قطعی شدن این فرضیه نیز زمانی قوت می‌گیرد که بدانیم میلانی‌ها پس از سال‌ها اتکا به دیدا درون دروازه و بعد از چندین اشتباه جبران‌نشدنی از سوی سنگربان برزیلی، بدشان نمی‌آید که با در اختیار گرفتن مهره‌ای همچون بوفون تغییری اساسی در تیم خود ایجاد نمایند.

بدین ترتیب میلان هم قادر خواهد بود پس از همه حوادث تلخ هفته گذشته با خبر انتقال بوفون به جمع روسونری تا حدودی به آرامش دست یابد. اگرچه مشکل اصلی اینجا است که مسئولان یوونتوس حالا حالاها یعنی حداقل تا انتهای فصل این خبر را تحت هیچ شرایطی تائید نخواهند کرد. حتی اگر روزنامه‌های ایتالیایی هر روز اخبار جدیدی مبنی بر گسترش اختلافات بین بوفون و یووه منتشر سازند و حتی علت اصلی این امر را عدم تمرکز سنگربان اول تیم ملی ایتالیا در جریان تمرینات و مسابقه بدانند و مدعی شوند که مسائل خصوصی و رابطه دوستی بوفون با آلنا سوروا یکی از چهره‌های شناخته‌شده تلویزیون و دنیای مد دلیل عمده این اختلاف‌ها به شمار می‌آیند. آنچه مشخص است روی اخباری نظیر آنچه در یکی دو سطر بالا ذکر شد نمی‌توان بازیکنی همچون بوفون را از تیمی همانند یووه به رقیبی به نام میلان منتقل کرد. پس تا لحظه اینکه موجی و دیگران پرده از این راز نگشایند باید صبر کرد. آنچلوتی و میلان بیش از هر کس دیگری انتظار خواهند کشید. نکته جالب این بود که گالیانی خبر مربوط به مذاکره با یوونتوسی‌ها در مورد بوفون را هم تکذیب کرد و اصرار داشت تا همه باور کنند روسونری امسال هیچ بازیکنی نمی‌خرند. اگرچه گفته می‌شود به جای استم هلندی، گالاس به جمع میلانی‌ها ملحق خواهد شد و البته دیارا بازیکن اهل مالی که هم‌اکنون عضویت لیون فرانسه را دارا است نیز از مدت‌ها قبل در فهرست خرید گالیانی قرار داشته است. شاید آنچلوتی هم بخواهد مثل بقیه مربی‌ها با در نظر گرفتن کم و کاستی‌های فصل، یکی دو بازیکن جدید به تیمش پیشنهاد دهد ولی همه می‌دانیم که در تیمی همچون میلان، مربی فقط و فقط در زمین اختیار تام دارد و در بقیه موارد عملاً فاقد اجازه هرگونه اظهار نظر است!

حاشیه

Numbers game

ارقام خبرساز

■ ۸:

تعداد سال‌هایی است که شرکت اعتباری Visa با فیفا قرارداد امضا کرد و یکی از اسپانسرهای رسمی فیفا نام گرفت. این قرارداد در سال ۲۰۰۷ به پایان می‌رسد و شرکت Master Card جای Visa را خواهد گرفت.

■ ۵۲:

تعداد گل‌هایی است که شوچنکو در لیگ قهرمانان اروپا به‌ثمر رسانده است. پنجاه‌ودومین گل این مهاجم اوکراینی میلان در برابر لیون به‌ثمر رسید. به این ترتیب شوا رکورد رائول که پنجاه‌ویک گل بود را شکست.

■ ۸:

تعداد بازیکن‌هایی که در این فصل در دفاع چپ آرسنال توسط آرسن ونگر مورد آزمایش قرار گرفتند.

■ **۳۲/۸ میلیون پوند:**

رقمی است که یک شرکت تجاری آلمانی برای ارزش نام «رونالدینیو» تخمین زده است. به این ترتیب ستاره برزیلی بارسا به سودآورترین فوتبالیست دنیا تبدیل شده است.

■ ۶۷:

درصد اسکاتلندی‌هایی است که در جام جهانی ۲۰۰۶ از تیم ملی انگلیس حمایت خواهند کرد. این میزان در تحقیقی که شبکه BBC انجام داده تخمین زده شده است.

■ **۵۶/۵ میلیون پوند:**

ارزش قرارداد چهارساله‌ای است که بین باشگاه منچستریونایتد و شرکت بیمه آمریکایی AIG منعقد شده است. این شرکت از فصل آینده اسپانسر اصلی باشگاه منچستر خواهد بود.

■ ۷۶۰:

تعداد بازی‌های ملی و باشگاهی دیه‌گو سیمونه هافبک آرژانتینی است که ماه گذشته از فوتبال خداحافظی کرد.

■ ۹:

تعداد دقیقه‌ای است که جاناتان وودگیت مدافع انگلیسی رئال مادرید در بازی رفت مقابل آرسنال در لیگ قهرمانان اروپا بازی کرد. او پس از نه دقیقه بازی مجدداً مصدوم شد.

■ **۱۸۶/۲ میلیون پوند:**

درآمد باشگاه رئال مادرید در سال مالی ۲۰۰۵-۲۰۰۴ است که توسط شرکت حسابرسی Deloitte به‌دست آمده است. به این ترتیب رئال برای نخستین‌بار به‌عنوان ثروتمندترین باشگاه جهان توسط Deloitte معرفی شد. پیش از این منچستریونایتد این عنوان را در اختیار داشت.

■ **۵۰۰ میلیون پوند:**

رقمی است که رومن آبراموویچ مالک روس و جوان باشگاه چلسی از دو سال پیش که این باشگاه را خرید خرج نقل و انتقالات بازیکنان و دیگر هزینه‌های باشگاه کرده است.

Notes & quotes

نقل قول

■ **کارلوس آلبرتو پریرا مربی برزیل:**

«انتظار شگفتی‌سازی از پنج تیم آفریقایی تونس، غنا، ساحل عاج، توگو و آنگولا ندارم. این تیم‌ها تجربه‌ای برای درخشش در جام جهانی ندارند.»

■ **لنارت یوهانسون رئیس یوفا:**

«جانشینی می‌خواهم که علاقه‌مند باشد مشکلات کشورهایی مثل نروژ را حل کند تا اینکه بخواهد ارتباط خود را با کشورهای صاحب‌نام فوتبال در اروپا نزدیک‌تر کند.» به این ترتیب یوهانسون مشخص کرد می‌خواهد میشل پلاتینی جانشینش شود نه فرانتس بکن‌باوئر.

■ **برند شوستر، مربی ختافه:**

«در آخرین بازی که در لالیگا انجام دادیم داور باز هم به ضرر ما سوت زد. این نکته بارها در این فصل تکرار شده و نمی‌توان آن را یک اتفاق دانست.»

■ **لوکا بوناچیچ مربی هایدوک اشپیلت:**

«بله درست است، هواداران به دلیل نتایج ضعیفی که گرفتیم عصبانی هستند اما اگر کسی بخواهد به بازیکنان تیم حمله کند باید قبل از آن به من حمله کند.» دو روز بعد هواداران خشمگین هایدوک اشپیلت مربی تیم‌شان را با چوب بیسبال مورد حمله قرار دادند.

■ **دیه گو مارادونا:**

«لیونل مسی می‌تواند تاج و تخت مرا تصاحب کند اما نمی‌تواند از من بزرگ‌تر شود.»

■ **ژوزه مورینیو:**

«احساس نمی‌کنم بهترین مربی دنیا باشم.»

■ **ماتیاس سامر:**

«همسرم قبل از ازدواج مرا دوست نداشت. اما ما با هم ازدواج کردیم و حالا سه بچه هم داریم.» قصد مدیر فنی تیم ملی آلمان از بیان این نمونه این بود که این حقیقت را روشن سازد یورگن کلینزمن مخالف انتخاب خود به عنوان مربی تیم ملی آلمان بود.